



مرکز تخصصی زبان عربی

Mtza.ir

آیا می دانید؟

برای تکلم به زبان عربی

تنها همین ۱۰۰ فعل

مرکز تخصصی زبان عربی

کافی است؟!!

ش	واژه	معادل عربی	ش	واژه	معادل عربی
۱	خوردن ...	أَكَلَ ...	۵۱	اجازه دادن به ...	إِذِنَ لـ ...، سَمَحَ لـ ...
۲	نوشیدن ...	شَرِبَ ...	۵۲	قبول کردن ...	قَبِلَ ...
۳	صحبت کردن با ...	تَكَلَّمَ، تَحَدَّثَ مَعَ ...	۵۳	تغییر کردن	تَغَيَّرَ
۴	گفتن ...	قال ...	۵۴	تغییر دادن ...	غَيَّرَ ...
۵	دیدن ...	رَأَى ...	۵۵	شکستن	كَسَرَ
۶	شنیدن ...	سَمِعَ ...	۵۶	رانندگی کردن	سَاقَ
۷	گوش دادن به ...	إِسْتَمَعَ إِلَى ...	۵۷	توضیح دادن ...	وَضَّحَ ...
۸	پیدا کردن ...	وَجَدَ ...	۵۸	تهیه کردن ...	أَعَدَّ ...، هَيَّأَ ...
۹	گم کردن ...	فَقَدَ ...	۵۹	شمردن ...	عَدَّ ...
۱۰	آمدن به ...	جاءَ إلى ...	۶۰	تعمیر کردن ...	صَلَّحَ ...
۱۱	آوردن ...	أَتَى بـ ...	۶۱	دانستن ...	عَلِمَ ...، عَرَفَ ...
۱۲	رفتن به ...	ذَهَبَ إِلَى ...	۶۲	نداستن ...	جَهَلَ ...
۱۳	بردن ...	ذَهَبَ بـ ...، أَخَذَ ...	۶۳	انجام دادن ...	أَدَّى ...
۱۴	برگشتن به ...	رَجَعَ إِلَى ...	۶۴	پرداختن ... مبلغ	دَفَعَ ...
۱۵	پرسیدن ...	سَأَلَ ...	۶۵	بازی کردن با ...	لَعِبَ مَعَ ...
۱۶	جواب دادن به ...	أَجَابَ عَنِ ...	۶۶	امضا کردن ...	وَقَّعَ عَلَيَّ ...
۱۷	خریدن ...	اشْتَرَى ...	۶۷	باریدن	نَزَلَ
۱۸	فروختن ...	باعَ ...	۶۸	احتیاج داشتن به ...	إِحْتِاجَ إِلَى ...
۱۹	فراموش کردن ...	نَسِيَ ...	۶۹	قراردادن ...	جَعَلَ ...، وَضَعَ ...
۲۰	به یاد آوردن ...	تَذَكَّرَ ...	۷۰	افتادن	اِفْتَادَن
۲۱	دادن	أَعْطَى ...	۷۱	راه رفتن	مَشَى
۲۲	گرفتن (برداشتن)	أَخَذَ ...	۷۲	دویدن	عَدَا ...، رَكَضَ
۲۳	باز کردن	فَتَحَ ...	۷۳	سفر کردن به ...	سَافَرَ إِلَى ...
۲۴	بستن	سَدَّ ...، أَغْلَقَ ...	۷۴	خواستن ... از ...	طَلَبَ ... مِنْ ...
۲۵	مطالعه کردن ...	طَالَعَ ...	۷۵	تعجب کردن از ...	تَعَجَّبَ مِنْ ...

ش	واژه	معادل عربی	ش	واژه	معادل عربی
۲۶	خواندن (قرائت) ...	قرأ ...	۷۶	عصبانی شدن از ...	غَضِبَ مِنْ ...
۲۷	نوشتن ...	كَتَبَ ...	۷۷	ناراحت شدن از ...	حَزِنَ مِنْ ...
۲۸	ارسال کردن ...	أرسلَ ...، بَعَثَ ...	۷۸	خوشحال شدن ...	فَرِحَ مِنْ ...
۲۹	دریافت کردن ...	تَلَقَّى ...	۷۹	مریض شدن	مَرِضَ، صَارَ مَرِيضًا
۳۰	بلند شدن	قَامَ	۸۰	تایپ کردن ...	طَبَعَ ...
۳۱	نشستن	جَلَسَ، قَعَدَ	۸۱	پرینت گرفتن ...	أَطْبَعَ ...
۳۲	دراز کشیدن	استلقى	۸۲	پایین آمدن	نَزَلَ
۳۳	خواهیدن	نَامَ	۸۳	عکس گرفتن از ...	صَوَّرَ ...
۳۴	بیدار شدن	استيقظَ	۸۴	فیلمبرداری از ...	صَوَّرَ ...
۳۵	بیدار کردن ...	أيقظَ ...	۸۵	استفاده کردن از ...	استفادَ مِنْ ...
۳۶	شروع کردن ...	بدأ بـ ...	۸۶	بودن	كانَ
۳۷	تمام کردن ...	أنهى ...، إنتهى مِنْ ...	۸۷	نبودن	ما كانَ، لم يكنْ
۳۸	موفق شدن	نَجَحَ، فازَ	۸۸	شدن	صارَ
۳۹	شکست خوردن	فَشِلَ	۸۹	پختن ...	طَبَخَ ...
۴۰	یاد دادن ...	عَلَّمَ ...	۹۰	سوار ... شدن	رَكِبَ ...
۴۱	یاد گرفتن ...	تَعَلَّمَ	۹۱	پیاده شدن از ...	نَزَلَ مِنْ ...
۴۲	خاموش کردن ...	أطفأ ...	۹۲	تلفن زدن به ...	إتصلَ بـ ...
۴۳	روشن کردن ...	أشعلَ ...، شَعَّلَ ...	۹۳	خسته شدن از ...	تعبَ مِنْ ...
۴۴	پوشیدن ...	ارتدى ...، لبسَ ...	۹۴	درس خواندن ...	درَسَ ...
۴۵	در آوردن ...	خَلَعَ ...	۹۵	رسیدن به ...	وَصَلَ إِلَى ...
۴۶	شستن ...	غَسَلَ ...	۹۶	صدا کردن ...	نادى ...
۴۷	تمییز کردن ...	نَظَّفَ ...	۹۷	ماندن	بَقِيَ
۴۸	کثیف کردن ...	وَسَّخَ ...	۹۸	معاینه کردن ...	فَحَصَ ...
۴۹	توانستن ...	إستطاعَ	۹۹	منتظر شدن ...	إنتظرَ ...
۵۰	نتوانستن ...	يعجزُ عن ...	۱۰۰	کمک کردن به ...	سَاعَدَ ...